بسم‌الله الرحمن الرحیم

[جواز عمل به احتیاط 2](#_Toc429987705)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc429987706)

[تکمله دوم 2](#_Toc429987707)

[تمثیلاتی از بحث 2](#_Toc429987708)

[صورت دوم 2](#_Toc429987709)

[جمع‌بندی 3](#_Toc429987710)

[مانعیت جزء زائد 3](#_Toc429987711)

[احتیاط تام در این مقام 3](#_Toc429987712)

[تعمیم بحث به مستحبات 3](#_Toc429987713)

[تعمیم بحث به شبهات موضوعیه 4](#_Toc429987714)

[مطلوبیت احتیاط پس از اجتهاد و تقلید 4](#_Toc429987715)

[خطبه اخلاقی نهج‌البلاغه 4](#_Toc429987716)

[شروع خطبه 5](#_Toc429987717)

[صفات انسان متقی 5](#_Toc429987718)

[تلاش برای امنیت روز قیامت 5](#_Toc429987719)

[مقصد متقی 6](#_Toc429987720)

[طلب و رغبت به آخرت 6](#_Toc429987721)

# جواز عمل به احتیاط

# مرور بحث گذشته

در مقام سوم بحث در این بود که اگر احتیاط مستلزم تکرار باشد، وجوهی ذکرشده بود برای اینکه تکرار احتیاط حقیقی یست وجوهی در اینجا ذکر شد تا اینکه به تکمله های بحث رسیدیم.

## تکمله دوم

تکمله دوم این است که در مواردی که احتیاط مستلزم تکرار نباشد، کمتر محل بحث دانسته‌اند، مانند احتمال جزئیت شیئ ای در عبادت مثل قنوت یا جلسه استراحت که جزیی از صلاة باشد، در اینجا گفته‌شده بدون فحص فرد می‌تواند احتیاط نماید چراکه در اینجا تکراری وجود ندارد و از بحث خارج است.

## تمثیلاتی از بحث

همین حالت در اضافات موجود در نسخ زیارات مثل عاشورا نیز وجود دارد که تردید در جزء زائد از عبادت است. لذا وجوه و شبهات موجود در تکرار در اینجا نخواهد بود. این امر نزد همه مسلم بوده اما در حقیقت نیازمند توضیحی است چراکه؛

جزئیت مشکوک در حالت دارد؛ گاهی در جزئیت شک داریم ولی می‌دانیم بود او مخل نیست همانند قنوت که مانعی بر اتیان آن وجود نخواهد داشت، بلکه ممکن است استحباب نیز داشته باشد.

## صورت دوم

صورت دوم این است که این عمل یا جزء است و الا عمل اضافه ایست که مخل به عبادت خواهد بود. در مواردی نیز شک وجود دارد و در این احوال تردید وجود دارد. لذا عدم مانعیت در غیر تکرار درجایی است، تنها مربوط به‌صورت اول است. حال عدم مانعیت در این مورد می‌تواند بسته به عوامل گوناگون باشد و عدم مانعیت اعم از داشتن استحباب و عدم آن باشد.

## جمع‌بندی

این نکته نیز باید مدنظر قرار گیرد که در قسم اول نیز ممکن است شبهاتی وارد شود که برای اتیان هر جزء نیز قصد وجه و احراز وجوب آن لازم است. لذا در این قسم نیز به سهولت نمی‌توان حکم به عدم مانعیت داد.

بنابراین باید این اشتراط قصد اجزاء را با اطلاقی یا دلیلی دیگر نفی نماییم. از طرفی دیگر نیز جواز احتیاط گفته‌شده خود امری اجتهادی است و در اینجا احتیاط مخصوص به قسم اول است.

## مانعیت جزء زائد

نکته دیگر این است که در مواردی احتمال مانعیت احتمال ضعیفی نیست، همانند زیارات، ممکن است کسی قائل شود که مجموعه‌ای بدون جزء زائد هدف از زیارت را محقق خواهد کرد و ممکن است اتیان به آن جزء اضافه مانعی برای تحقق آثار واقعی زیارت باشد.

## احتیاط تام در این مقام

یعنی اگر قصد احتیاط تام دارد باید تکرار نماید و باری با جزء زائد و دفعه‌ای نیز بدون آن به‌جا آورد هرچند احتمال ضعیفی در قبال مانعیت جزء زائد داشته باشد. البته گاهی نیز مانند مالک و ملک تکرار همان جزء است که حکم آن، همان حکم سابق است و همان جزء اتیان می‌شود.

## تعمیم بحث به مستحبات

مطلب دیگر که امر واضحی است، این بود که این مطالب در عبادات واجبه بود، اما همه این مباحث در عبادات مستحبه به‌تناسب خود این عبادات خواهد بود که در مواردی احتیاط به تکرار اصل عمل یا اتیان به اکثر و ...است. لذا مباحث بیان‌شده در آنجا نیز جاری می‌گردد.

## تعمیم بحث به شبهات موضوعیه

تکمله دیگر ذیل این بحث، این بوده که نکات مطرح‌شده در شبهات حکمیه بود، اما همه این مسائل در شبهات موضوعیه نیز جاری می‌گردد. بنابراین در شبهات موضوعیه هرچند بحث اجتهاد و تقلید نیست، اما این بحث جاری می‌گردد. به‌اجمال بحث خاصی در این موارد وجود ندارد.

## مطلوبیت احتیاط پس از اجتهاد و تقلید

نکته واضح دیگر این بوده که بعد از اجتهاد و تقلید اگر باز احتیاط کند، احتیاط مطلوبیت خاص خود را دارد و فرد می‌تواند به‌قصد رجاء عمل را دوباره تکرار نماید. البته آ قصد رجاء، اما اگر با قصد تشریع انجام دهد مانع دارد. حتی اگر در اموری باشد که اجتهاد فرد قطعی باشد و طرف مقابل چندان محتمل نباشد.

### خطبه اخلاقی نهج‌البلاغه

متن انتخاب‌شده ادامه خطبه غراء است که؛

«شَغَلَ‏ التَّفَكُّرُ قَلْبَهُ‏ وَ أَنْصَبَ‏ الْخَوْفُ بَدَنَهُ وَ أَسْهَرَ التَّهَجُّدُ غِرَارَ نَوْمِهِ وَ أَظْمَأَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ وَ ظَلَفَ‏ الزُّهْدُ شَهَوَاتِهِ وَ أَوْجَفَ‏ الذِّكْرُ بِلِسَانِهِ وَ قَدَّمَ الْخَوْفَ لِأَمَانِهِ وَ تَنَكَّبَ‏ الْمَخَالِجَ عَنْ وَضَحِ‏ السَّبِيلِ وَ سَلَكَ أَقْصَدَ الْمَسَالِكِ الی النَّهْجِ الْمَطْلُوبِ وَ لَمْ تَفْتِلْهُ‏ فَاتِلَاتُ الْغُرُورِ وَ لَمْ تَعْمَ‏ عَلَيْهِ مُشْتَبِهَاتُ الْأُمُورِ ظَافِراً بِفَرْحَةِ الْبُشْرَى وَ رَاحَةِ النُّعْمَى‏ فِي أَنْعَمِ نَوْمِهِ وَ آمَنِ يَوْمِهِ وَ قَدْ عَبَرَ مَعْبَرَ الْعَاجِلَةِ حَمِيداً وَ قَدَّمَ زَادَ الْآجِلَةِ سَعِيداً وَ بَادَرَ مِنْ وَجَلٍ‏ وَ أَكْمَشَ‏ فِي مَهَلٍ وَ رَغِبَ فِي طَلَبٍ وَ ذَهَبَ عَنْ هَرَبٍ وَ رَاقَبَ فِي يَوْمِهِ غَدَهُ وَ نَظَرَ قُدُماً أَمَامَهُ فَكَفَى بِالْجَنَّةِ ثَوَاباً وَ نَوَالًا وَ كَفَى بِالنَّارِ عِقَاباً وَ وَبَالًا وَ كَفَى بِاللَّهِ مُنْتَقِماً وَ نَصِيراً وَ كَفَى بِالْكِتَابِ حَجِيجاً وَ خَصِيما»[[1]](#footnote-1)

### شروع خطبه

### صفات انسان متقی

امام درواقع نمونه و الگویی از فرد باتقوا قرار می‌دهد که دارای این صفات است؛ تفکر قلب او را پر نموده است، تفکری که نجات‌بخش و فراتر از عالم دنیاست، ترس از آخرت بدن او را نحیف کرده، امید به آینده سیری روز را از او می‌گیرد. بیداری شب، شیرینی خواب را از او می‌گیرد، بی‌رغبتی به دنیا شهوت او را کنترل می‌کند. آن‌قدر این دل مأمور به ذکر به تفکر است که آن را به زبان جاری می‌گرداند.

### تلاش برای امنیت روز قیامت

او برای امنیت روزی که فزع و ناامنی قانون آن روز است، تلاش می‌کند امنیت برای آن روز آماده کند؛

**«وَ هُمْ مِنْ‏ فَزَعٍ‏ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ‏ »[[2]](#footnote-2)**

خوف امروز، ایمنی آن روز را فراهم خواهد کرد، این رابطه برعکس است. از دست اندازهای راه روشن پرهیز می‌کند. بهترین راه و میانبرترین راه را برای رسیدن به مطلب انتخاب می‌کند و خود را در مسیرهایی که او را از مسیر اعلی دور می‌کند، نگه می‌دارد. و سپاه غرور و عوامل گوناگون غرور انسان که مانع‌اند که از مهم‌ترین جنود شیطان هست و دارای شاخ و برگ است، نمی‌توانند مانع او شوند.

### مقصد متقی

مشتبهات بر او مخفی نمی‌شود، دین خود را بر پایه‌های محکمی گذاشته که مشتبه در کار او نیست و همیشه **«أَ فَمَنْ كانَ عَلى‏ بَيِّنَةٍ مِنْ‏ رَبِّهِ‏ وَ يَتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ»** [[3]](#footnote-3)است. او با این راه صحیح و روشن خود، به مژده‌ای که اولیاء الهی داده‌اند و آسایش وعده داده‌شده، دست می‌یابد. او راه سفر را درحالی‌که ستوده است، عبور می‌کند.

توشه آن زمان را زودتر فرستاده است. سفر آسانی برای او بوده و آینده آبادی در انتظار او است و به‌سرعت مسیر را طی نموده و به مقصد رسید.

### طلب و رغبت به آخرت

فرت و رب الکعبه مقصد و عاقبت همه‌کسانی است که این‌گونه مسیر خود را طی نموده‌اند. او کسی است که مسیر خود را با رغبت در جستجوی گمشده خود طی نمود. کما اینکه امام خود در نهج‌البلاغه می‌فرمایند من همیشه طالب مرگ و از طفل به سینه مادر راغب‌تر بودم. او امروز به فکر فردا بود. فردایی اصلی که از مرگ شروع می‌شود.

1. نهج البلاغه صبحی صالح ص 113. [↑](#footnote-ref-1)
2. ـ نمل /89. [↑](#footnote-ref-2)
3. هود /17. [↑](#footnote-ref-3)